

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - کابل / افغانستان

۱۷ جنوری ۲۰۲۱



نعیم سلیمی

آشوب و فتنه دموکراسی در امریکا:



چهار صد سال قبل از میلاد افلاطون در یکی از آثارش زیر نام «جمهوریت» خاطر نشان ساخت که «دموکراسی با پیروزی فقراء بر دشمنان آنها عرض اندام می نماید؛ بعضی از آن ها را به هلاکت می رساند و برخی را هم تبعید می نماید؛ بعد از آن با بقیه جمعیت، مقامات سیاسی و مسؤولیت ها را شریک می سازد و در این رژیم دفاتر حسب قرعه، تعیین می گردند.» (جمهوریت، جزوه هشتم قسمت 557 الف) ۱

در قرن هجدهم، ژان ژاک روسو، نویسنده و فیلسوف اوج دوره روشننگری اروپا، متوجه شد که انتخابات به تنهایی هیچ گونه ضمانتی برای آزادی به دست نمی دهد، او به گونه مثال، یاد آور شد که «مردم انگلستان خود را با تصور این که آزاد هستند، فریب می دهند، حقیقتاً آنها، فقط در جریان انتخابات اعضای پارلمان، آزادی دارند: وقتی که پارلمان جدید انتخاب گردید، آنها دوباره در زنجیر بسته بوده و هیچ کاره ای بیش نیستند» (فصل سوم، چپتر پانزدهم، قرار داد اجتماعی)



هیچ کسی بهتر از جان آدامس یکی از سیاستمداران امریکا، دیپلمات، نویسنده و همچنان یکی از پدران بنیانگذار و دومین رئیس جمهور این کشور از ۱۷۹۷ - ۱۸۰۱، آشوب و فتنه دموکراسی را با تجارب دست داشته از انقلاب کبیر فرانسه، مقایسه جمهوریت با شاهی های مطلقه استبدادی و مشروطه، بیان نمی کند:

* - من نمی گویم که دموکراسی در کل و دراز مدت، بیشتر نسبت به شاهی و یا اشرافیت، مهلک بوده است.
* - دموکراسی هیچ گاه مستدام و دیر پا نبوده و نمی تواند باشد. مگر زمانی که تداوم پیدا نماید، بیشتر از هر یکی از آنها، خونین می باشد...

* - به یاد داشته باشیم که دموکراسی هیچ گاه تداوم زیاد پیدا نمی کند. بزودی به ائتلاف رسیده و کسالت پیدا می نماید و خودش را به هلاکت می رساند. تا هنوز یک دموکراسی وجود نداشته که دست به خود کشی نزده باشد ... (Founders Online از جان آدامس الی جان تیلور، ۱۷ دسمبر ۱۸۱۴ شماره ۱۸) ۲

فریدریش انگلس، دانشمند مؤرخ، انقلابی و همکار نزدیک کارل مارکس، در سال ۱۸۸۴ در قبال انتخابات، چنین نوشت:

«بدین ترتیب Universal suffrage و یا حق انتخابات همگانی، پیمانۀ پختگی طبقه کارگر را نشان می دهد. این امر (انتخابات - پ ن)، هیچ چیزی بیشتر ازین در دولت مدرن نبوده و نمی تواند باشد، فقط همین قدر کفایت می کند.» (مارکس، انگلس و رأی دهی، Duncan Halls، جون ۱۹۸۳) ۳

نشریه گاردین The Guardian در یک مقاله مفصل و تشریحی در رابطه با مصیبت شناسی بحران دموکراسی و به خصوص انتخابات، زیر نام "چرا انتخابات برای دموکراسی بد است"، یاد آور می گردد که "سیستم رأی دهی ما برای دهه ها، بخوبی کارائی داشت، ولی اکنون به شکست مواجه می باشد. راه های بهتری برای رساندن صدای مردم وجود دارند ...؛ انتخابات سوخت فسیلی (چوب سوخت - پ ن) سیاست اند، وقتی که این سوخت های فسیلی، ترقی بزرگ را برای دموکراسی فراهم نمودند، حالا دیگر مشکلات عظیمی را به میان می آورند." ۴

آنچه را که شما در سطور بالا مشاهده نمودید، در واقعیت بیانگر فشرده ایست از ماجرای تاریخ سه هزار ساله دموکراسی و به طور اخص آن، مشق و تمرین انتخابات در طی دو سده گذشته که در کلیت آن آشوب و فتنه دموکراسی

را ، بازگو می نماید و بر حکمت دیالکتیکی این که پدیده ها ، رویداد ها و اشیاء به جهت متضاد خود مبدل می گردند ، صحنه می گذارد.

حال بر می گردیم به آشوب و فتنه دموکراسی در ایالات متحده امریکا. به تصور من ما در یک عصری از روایت های بزرگ زندگی می کنیم که آغاز بهار آن ، با انفجار کودتای پارلمانی ششم جنوری سال ۲۰۲۱ هواخواهان دونالد ترامپ آغاز گردید که در اثر آن عده ای به هلاکت رسیده و عده دیگری هم زخم برداشتند ؛ مطلبی که درین راستا تذکر آن ضروری به نظر می خورد این است که مهمات این انفجار ضرورتاً طی دهه ها و سالیان متمادی در مخزن سرمایه داری امریکا ، ذخیره شده بود که ششم جنوری به مثابه یک رویداد تصادفی که در چنین روزی کنگره در مورد گزینش ، نصب و تاج گذاری جوبایدن به تاریخ ۲۰ جنوری به حیث چهل و ششمین رئیس جمهور جهان آزاد ، اجلاس برگزار کرده بود ، چون جرعه ای این مخزن را منفلق ساخت که هنوز شروع ماجرا خواهد بود ؛ حال برای یک لحظه ، اگر سؤالی را مطرح نمایم این که در صورت عدم برگزاری این اجلاس و حتی در صورت آمادگی کامل پولیس و نیرو های امنیتی در برابر چنین فتنه، آیا این انفجار صورت نمی گرفت ؟؟

به تصور من با اوضاع احوال مسلط در جو سیاسی و اجتماعی امریکا طی چهار سال گذشته و حتی پیشتر از آن در قسمت وضع ریاضت های اجتماعی گسترده ، توأم با قطع امتیازات رفاه اجتماعی برای اکثریت گسترده مردم امریکا ، وقوع چنین فتنه ها و آشوب ها ، اگر در کاخ سفید نه ، بل در جای و مکان مهم دیگری اجتناب ناپذیر به نظر می رسید؛ عده زیادی از مؤرخین بدین باور اند که حتی در جریان سالیان توأم با آشوبگری قبل از جنگ داخلی در امریکا و بعد از آن ، هیچ گاهی مشاهده نشده که کاخ کنگره امریکا شکسته شده و مورد رخنه معترضان قرار گرفته باشد و از جانب رئیس جمهور بر حال مورد تشویق و تحسین قرار گیرد ؛ طی این یورش پروتوکول های ضد تروریستی ، فعال شدند و گاز های اشک آور در راهرو ها و دهلیز های کنگره ، پیچیدند.

مطلب خیلی ها جالب در این زمینه عبارت از عکس العمل GW Bush ، رئیس جمهور اسبق می باشد که صحنه های این رویداد را به چیز های شباهت داد که در جمهوریت کیله و یا Banana Republic ، اتفاق می افتند ؛ برای او و یا سایر همتا های وی دلیل این تعجب شاید این باشد که چنین کاری باید در یک کشور جنگ زده و ویران شده از مداخلات امپریالیستی اتفاق بیفتد ، نه در سنگر گاه و قلعه مستحکم امپریالیسم جهانی.

اصطلاح " جمهوریت کیله " ، برای اولین بار از جانب O . Henry ، نویسنده امریکائی در مورد کشور هندو راس استعمال گردید ؛ منظور ازین اصطلاح ، شرح حالت کشور هائی بدون ثبات ، با اقتصاد متکی بر منابع محدود صادراتی مانند کیله و منرال ها و مواد معدنی می باشد که می شود آن را کشور های با دولت های پوشالی نیز خواند (به گونه مثال افغانستان ورژیم سیاسی موجود آن را می توان از چنین جمهوریت ها به حساب آورد پ ن).

نشریه "در دفاع مارکسیسم در این مورد می نویسد که « کاپیتالیسم امریکا ، مؤسسات و نهاد های آن به خانه غریبال شده توسط موریانه می ماند که در آن پوسیدگی به سرعت انتشار می یابد . این خانه شاید در ظاهر از لحاظ ساختمانی ، محکم به نظر بخورد ، ولی اگر شما بالای ایوان های آن راه بروید ، پا های تان داخل سوراخ می گردد » (نشریه در دفاع از مارکسیسم ، ایالات متحده امریکا : شورش ترامپ و آشوب دموکراسی سرمایه داری ، سرمقاله بورد دبیران انقلاب سوسیالیستی (ایالات متحده امریکا) ، ۷ جنوری ۲۰۲۱) ۵

چرا ترامپ برنده انتخابات گردید:

در سال ۲۰۱۶، بعد از به اتمام رسیدن دور اداره هشت ساله اوباما - بایدن، ترمپ با برنده شدن در انتخابات ریاست جمهوری، روی صحنه آمد که در تصور بسیاری نمی گنجید.

دلیل برجسته این پیروزی را باید در پوسیدگی نسبی و دراز مدت امپریالیسم امریکا جست و جو نمود که در اثر آن به تدریج مصروفیت و اشتغال مردم در مؤسسات تولیدی ویران گردید و درین میان بخش بزرگی از مناطق و محلات که در آن طبقه کارگر زندگی می کرد، متأثر گردید و هیچ گونه بهبودی در زندگی آنها در تحت دوران قدرت اوباما فراهم نگردید.

درست این چیزی بود که زمینه را برای بهره برداری از حالت آن زمانی برای ترمپ با پیشکش نمودن شعار های نظیر "Make America Great Again" دوباره امریکا را بزرگ و قدرتمند می سازیم، " و " آوردن مجدد اشتغال از برون به داخل امریکا و اصلاح سطح زندگی مردم، "مساعد نمود.

اگر جایگاه دونالد ترمپ را در ساختار نظام سرمایه داری تعریف کنیم، می شود گفت که « او یک پوپولیست سرمایه داری کلاسیک بود که ناسیونالیسم، نژاد پرستی و زن ستیزی را، با وعده یک زندگی بهتر، در خود در آمیخت. » (نشریه انقلاب سوسیالیستی، فرد ویس تن، ۱۰ نومبر ۲۰۲۰) ۶

بنابر دلایلی که در فوق گفته آمد، قسمت هائی از طبقه کارگر برای ترمپ، رأی دادند؛ طی این دوران، دموکرات ها هیچ گونه بهبودی را برای تغییر حالت موجود زندگی زحمتکشان امریکا به منصفه اجراء نگذاشتند؛ عین همین حکم می تواند در مورد جمهوریخواهان نیز جاری بوده و مصداق پیدا می نماید.

یکی از نکات جالب و قابل توجه این است که در چنین مرحله ای از عروج کسالت دموکراسی امریکا، آمیخته با اعراض تب آلود آن ناشی از دلهره و مأیوسیت بی سابقه توده های مردم نسبت به زندگی سیاسی و نبودن صدای واقعی اپوزیسیون اعتراضی، احزاب و جنبش های انقلابی چپ مستقل در جمهوریت سرمایه داری امریکا، ترمپ در انتظار اجتماعی مردم به گونه کاذب، مانند یک فرد تازه وارد، مجزا از سیاست این کشور (outsider)، عرض اندام نمود؛ او در حالی که یک موجود بیگانه از سیاست جاری امریکا مبنی بر تسلط بورژوازی نبود، به نمایندگی از یک بخش و جناح نا پخته سرمایه داری که او خود متعلق به آن بود، پا به عرصه سیاست گذاشت؛ او نژاد پرستی خفته و پنهان شده سرمایه داری امریکا را به شیوه عریان آن به نمایش گذاشت (تأکید از من است - پ ن)؛ آنچه را که ادعا نمودیم، از جانب وی در جریان راه اندازی جنبش " زندگی سیاهان مطرح است، " بازتاب یافت و به پیام رسان رشد آگاهی کاذب ناسیونالیستی سرمایه داری برای سفید پوستان برتری جو و سایر حلقات پراکنده ارتجاعی امریکا مبدل گردید.

ترس و هراس سرمایه داری امریکا از ترمپ:

آنچه را که به طور فشرده در بالا یاد آوری گردید، بیانگر داستانی است که چگونه طبقه سرمایه داری امریکا، از وی گریزان شده و حتی عده ای از طرفدارانش در حلقه حاکم قدرت با نپیوستن به کودتا و شورش، او را طرد نمودند، زیرا چنین منش های لجام گسیخته، ثبات جامعه امریکا را با تحریش از پائین قاعده اهرم جامعه (طبقات پائینی)، به هم زده و متلاشی می کرد که بورژوازی این کشور آن را نمی خواست و تحمل آن را نداشت.

ترس آن ها این بود که نیرو های طبقاتی از بند رها شده از پائین، منجر به نافرمانی ها می گردد؛ زایش و پیدایش فضای طغیان و سرکشی در امریکا بعد از قتل سیاه پوست امریکائی، جورج فلوید، خطر گسترش کابوس و شیخ سوسیالیسم و انقلاب اجتماعی در امریکای شمالی، آرامش ذهنی بورژوازی این کشور را، مختل می نمود و راحتش

را حرام می ساخت ؛ تمامی این ماجرا ، وضاحت می دهد که لایه های بزرگ اجتماعی امریکا ، جوانان ، بخش قابل ملاحظه طبقه کارگر ، زنان و سیاه پوستان ، خواستار پایان دادن به اداره ترمپ بودند و طبقات حاکم با استفاده ازین فرصت ، این بار آدم دلخواه دیگری را بنام جو بایدن ، که به زعم خودشان ، ترقی پسند بوده و می توانست به این کابوس نقطه پایان بگذارد ، مورد تشویق و حمایت قرار دادند که برای تاج پوشی آن در میان تهدید های از اعتراضات بزرگ میلیونی شبه نظامیان سفید که در صدد آغاز جنگ داخلی دوم در امریکا می باشند ، به تاریخ ۲۰ جنوری ، آمادگی می گیرند.

در پایان این بحث سؤالات آتی را که در عین حال نتیجه گیری این جستار می باشد ، مطرح می سازم:

- * - چگونه ممکن است کسالت دموکراسی مبنی بر بی میلی مردم برای شرکت در سیاست و مبارزه سیاسی برطرف گردیده و بار دیگر هیزم سوخت آن یعنی که انتخابات ، مثمر و کارا باشد ؟
- * - منظور افلاطون در جمهوریت مبنی بر استفاده از یکی زیر ساخت ابزار انتخاباتی (گزینش بر حسب قرعه) چیست ؟

- * - در دموکراسی ها ، مهمترین تشویش و توجه ، پرداختن به حیات محله هائی است که مردم در آن زندگی می کنند (شورا های ناحیه ها ، قراء و قصبات ، موسفیدان و غیره) ؛
- * - آیا ممکن است مسایل مغلق و پیچیده سیاست مانند بحث خروج جنجال برانگیز انگلستان از اتحادیه اروپا ، سقط جنین و امثالهم را به همه پرسى افکار عامه (ريفراندم) رجعت داد ، در حالی که بخش بزرگ جمعیت کشور های پیشرفته سرمایه داری ، از آگاهی کامل درین زمینه ها برخوردار نمی باشند ، چه رسد به کشور های عقب مانده و در حال توسعه ؟

- * - نگرانی رو سو از انتخابات در انگلستان که مصداق حالت کنونی افغانستان نیز است، از چه قرار بوده است ؟
- * - آیا ممکن است ، اراده و Sovereignty انسانی بدون موجودیت مراودات معمول حقوقی مانند وصیتنامه ها و قبالة های ضمانت کننده درین زمینه ، به یک کاندید مورد نظر در انتخابات، انتقال داده شده و حراست گردد ؛
- * - چرا جان آدامس از هلاکت دموکراسی از میان خودش و خود کشی دموکراسی سخن می گفت و چرا او تصور می نمود که عمر دموکراسی از رژیم های شاهی و اشرافی کوتاه تر است ؟

- * - به تصور شما ، آیا واقعا جمهوریت دموکراتیک سرمایه داری در بنیه و اساس خود از شاهی و اشرافیت متفاوت است ، آیا سرمایه داری خودش حامل نطفه اشرافیت و استبداد در بطن خودش در خانواده نا مقدس سرماییداری نیست ؟
- * - آیا زمان آن فرا نرسیده تا انسان و جامعه بشری افزار های کهنه دموکراسی سرمایه داری را به دور انداخته و مکانیزم های جدید گزینش مستقیم ، مشارکتی و شورائی خود مردم برای مردم را با بهره برداری از ارزش های کلاسیک مثبت در فلسفه سیاسی ، جایگزین آن سازد که در آن حاکمیت و قدرت دولتی از یک قوه فرماندهی و دیکته کننده ، به مرجع تحت فرمان و انقیاد جامعه در آید و به این ترتیب زمینه برای زوال تدریجی حاکمیت از همان آغاز وهله دگرگونی های اجتماعی ، فراهم گردد ؟

پایان

دیدگاه بگذارید

<https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://en.m.wikipedia.org/wiki/Sortition&ved=2ahUKEwjSruuej6HuAhUHlIsKHVqMB3oQFjAAegQIAxAB&usg=AOvVaw1XKfJAZrBEyJywTRWc64uX&csid=1610823229073>

2

<https://founders.archives.gov/documents/Adams/99-02-02-6371>

***?

3

https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.marxists.org/archive/hallas/works/1983/06/vote.htm&ved=2ahUKEwj_pK--kqHuAhVLpIsKHXSCEMQFjAAegQIARAB&usg=AOvVaw14X-DALT3kJHe8zzM9lFcz

4

https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=https://www.theguardian.com/politics/2016/jun/29/why-elections-are-bad-for-democracy&ved=2ahUKEwjrmrKWk6HuAhXnl4sKHAcDAnMQFjAAegQICRAB&usg=AOvVaw3p_faqe-xE_gHD5Gbf30Sc

5

<https://www.marxist.com/trumps-insurrection-chaos-us.htm>

6

<https://socialistrevolution.org/bidens-win-is-no-victory.../>